

اعادۀ حيثيت

و شريع اسلامي

د پښتانه: الامام سليمه عابد پښتان سوډان

۱۳۹۵

تتبع ونگارش:

امين الدين «سعيدى - سعيد افغانى»

مدير مركز مطالعات ستراتيجيكي افغان

و مسؤل مركز فرهنگي د حق لاره - جرمني



www.masjed.se

اعاده حیثیت و شرع اسلامی

«مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَمُ» (حدیث) (کسی که رحم نمی کند بر او رحم نخواهد)

تتبع و نگارش:

امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان
و مسؤل مرکز فرهنگی د حق لاره- جرمنی

اعاده حیثیت بیشتر در ارتباط به اشتباهات قضایی و حکم خطا در محاکم به معنی توقیف شخص و بعد اثبات بی گناهی آن شخص مطرح میشود. در موارد در ارتباط مطبوعات و رسانه های با تهمت بستن بر کسی مطرح است. در رابطه به اعاده حیثیت معمولاً بازگرداندن آبرو یعنی جبران تمامی ضرر و زیان های مادی و معنوی به شخص متضرر میباشد. در مسایل خطا در محدودیت آزادی انسان مانند توقیف قبل از حکم محکمه و ثابت شدن اینکه توقیف شده بی گناه بود و یا صدور و تنفیذ حکم و اما بعد ثابت شد که شخص محکوم علیه بی گناه بود، مطرح میشود. در تاریخ قضا و عدالت در جهان ازین قبل حالات روح داده است که بخش آن به صورت نسبی قابل غرامات و اعاده است و اما در موارد اعاده آن یا ناممکن است و یا هم دیر و محدود میباشد. هتک حرمت و اعاده حیثیت اشخاص که قربانی اشتباهات قضایی گردیده یا محکومیت قضایی یافته اند و رفتارشان در طول زمان به نحوی بوده که عدالت و انصاف اقتضای آن را دارد که آثار محکومیت کیفریشان محو شود. در موارد چون قطع دست و اعدام و بخش از جزا های دیگر بازگرداندن و اعاده ناممکن است. اما بحث امروزی ما هدفمند به آن جهت سوق داده میشود که در کشور ما افغانستان در رابطه به تجاوز بر حق یک شخص از جانب مقام ارشد کشور ما مطرح و داغ شده است.

«اعاده» در لغت به معنای اعطاء، بازگرداندن، رجعت، جبران کردن و برگرداندن است. «حیثیت» نیز به معنای آبرو، اعتبار، حقوق و شخصیت می باشد. حکمت و فلسفه کلی قوانین دین مقدس اسلام همین است که با تمام توان میخواید آبرو، حیثیت، شهرت، نام و کرامت شخص و افراد جامعه محفوظ و مورد حمایت قرار داشته باشد و حتی اگر به علت حاکمیت قانون هم مورد تعرض قرار گیرد به مجرد آگاهی از آن در بازگشت و اعاده حیثیت کوشش ممکن صورت گیرد. بنابر همین منطبق است که به مسلمانان حکم صریح می نماید که ناموس، آبرو و عزت مسلمان را مورد احترام و حرمت انسانی قرار دهد. دین اسلام برای کسی اجازه نمیدهد تا آبروی دیگران را بازیچه خویش قرار داده و آنرا لکه دار ساخته. ارتکاب چنین کاری در منظر عام را شنیع تر میدانند.

هدایت و حکم صریح اسلامی برای مسلمانان اینست که: نباید مسلمان و انسان دیگری را اذیت و آزار برساند از تعرض به مال و حیثیت و آبروی مسلمان و انسانهای تحت حاکمیت کشور و حاکمیت اسلامی جدا خودداری شود. در حدیث آمده است: «كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ، دَمُهُ وَمَالُهُ وَعِرْضُهُ» «همه چیز مسلمان بر مسلمان دیگر حرام و محترم است، خونش، مالش و حیثیت و آبرویش». (مسلم). مسلمان بر مسلمان دیگر حرام

اعاده حیثیت و شرع اسلامی

است. و فرمود: برای هیچ مسلمانی جایز نیست که مسلمان دیگری را دچار رعب و وحشت کند. برای مسلمان جایز نیست که با نگاه قهرآمیز که موجب اذیت و آزار است، بسوی مسلمانی دیگر نگاه کند» (احمد، ابوداود). و فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَكْرَهُ أَدَى الْمُؤْمِنِ» (احمد). «خداوند اذیت و آزار مؤمنان را نمی‌پسندد». و فرمود: مسلمان بمعنی واقعی کلمه کسی است که سایر مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند. (متفق علیه). و فرمود: مؤمن واقعی کسیست که سایر مؤمنان درباره مال و جان‌های‌شان او را امین بدانند. (احمد، ترمذی و حاکم).

حکم دین اسلام همین است که: مسلمان نباید در برابر رفتار بد برادر مسلمان خود عکس العمل زشت و بد نشان دهد بلکه هر مسلمان موظف است که اخلاق و رفتارش با دیگران نیک باشد، و از هر گونه آزار رسانی به مسلمان دیگر جدا خود داری کند، با چهره‌ای گشاده و خندان همدیگر را ملاقات کنند، نیکی و احسان را از همدیگر بپذیرند و از خطاها و بدی‌ها در گذر کنند زیرا خداوند می‌فرماید: «حُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (الأعراف: 199). «عفو را پیشه کن، امر به معروف کن و از جاهلان روگردان باش».

و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ وَأَتَّبِعِ السَّبِيلَةَ الْحَسَنَةَ تَمَحُّهَا وَخَالِقِ النَّاسَ بِخُلُقٍ حَسَنٍ» «هر جا که هستی از نافرمانی خدا بپرهیز، بعد از ارتکاب خطا و بدی، نیکی انجام بده، زیرا نیکی آثار بدی را می‌زداید و با اخلاق خوب با مردم رفتار کن». (حاکم و ترمذی). انسان مسلمان باید از لغزش‌های مسلمان دیگر صرف نظر کند و عیوب او را پنهان نماید و در صدد کشف اسرار وی بر نیاید، زیرا خداوند می‌فرماید: «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (سوره المائدة: 13). «عفو کن و از آنان در گذر بفرما، همانا خداوند نیکوکاران را می‌پسندد»، و می‌فرماید:

«فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَحْيِهِ شَيْءٌ فَاتَّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ» (سوره البقرة: 178). «هر کس از جانب برادر مسلمانش مورد عفو قرار گرفت، او باید به خوبی حقش را دنبال کند و بدهکار نیز با حسن و خوبی، حق صاحب حق را بپردازد». و می‌فرماید: «فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (شوری: 40). «هر کس درگذرد و آشتی کند، پاداش او برعهده خداوند است». و می‌فرماید: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ» (سوره نور: 22). «عفو و درگذر کنید، آیا دوست ندارید که خداوند از گناهان شما بگذرد» و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «عفو و گذشت مطمئنا موجب از دیاد کرامت و عزت است، و فرمود: هر کس عیب و گناهان بنده را کتمان کند، خداوند روز قیامت گناهان او را پنهان خواهد کرد، و فرمود: ای کسانی که زبان شما کلمه را گفته است ولی ایمان در دل‌های‌تان داخل نشده است، از مسلمانان غیبت و بدگویی نکنید و در صدد کشف عیوب پنهان آنان نباشید، زیرا هر کس در صدد کشف عیوب برادر مسلمانش برآید، خداوند عیوب او را برملا و او را رسوا می‌کند و لو اینکه او در داخل خانه‌اش باشد. و فرمود: هر کس به سخنان قومی گوش فرا دهد و آنها را استماع کند که آنان مایل به چنین چیزی نباشند، روز قیامت در گوش او سرب مذاب ریخته می‌شود. (ترمذی).

اعاده حیثیت و شرع اسلامی

عمل جرمی و قصد عملی جرمی در مراحل مختلف آن و لو اجرا نه شده باشد امور خلاف شرع اسلامی و قواعد آن است. متخلف و متجاوز قابل پیگرد عدلی و قضایی پنداشته میشود.

استفادهء سوء از صلاحیت های حکومتی، استعمال سلاح دولتی به صورت غیر مشروع، توقیف غیر مشروع، لت و کوب و بلاخره تلاش به لواط و اجرای آن، تحدید به فلم برداری و اشاعه نام بد و ... تمام اعمال جرمی خلاف قوانین نافذ کشور های مدرن و قوانین سایر کشور های جهان به شمول کشور های اسلامی و قوانین اسلامی است.

لوطات یکی از جمله انحرافات اخلاقی که برخی از اشخاص تا با عادت قوم دست به این عمل شنیع می زنند.

این انحراف و مسیر غیر نورمال و در موارد مریض و حتی شنیع، خلاف اخلاق نورمال برخوردار انسانی، ظلم در حق دیگران، عمل خلاف اصول قبول شده بشری، خلاف ساختار طبیعی انسان و بالاخره عمل خلاف اصول تمام شرایع آسمانی است.

دین مقدس اسلام و دساتیر سایر ادیان راستین آسمانی پیروان خویش را به شدت تام واضح و آشکار ازین انحرافات اخلاقی، عمل و روش خلاف خلقت طبیعی انسانها و در نهایت امر ظلم و عمل حتی شنیع منع فرموده است و آنرا عمل و اخلاق حرام میداند. پروردگار با عظمت ما بنابر شدت و غیر انسانی بودن عمل لواط یک قوم را (قوم لوط) به خاطر این عمل زشت و شنیع، قبل از اینکه در روز آخرت مورد جزاء و عتاب قرار دهد، حتی در همین دنیا مورد عذاب دردناک و عظیمی عبرت انگیز برای سایر بشریت قرار داده است.

در حدیثی که از ابن عباس رضی الله عنه آمده است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده: « من وجدتموه يعمل عمل قوم لوط فاقتلوا الفاعل والمفعول به » (صحیح ابن ماجه: 2075) (هر کسی را یافتید که عمل قوم لوط را انجام داد، فاعل و مفعول را بکشید). درین مورد به یقین کسیکه مجبور به عمل لواط شده و بدون رضا مفعول قرار گرفته، مظلوم و متضرر است که بر حاکمیت است تا از حقوق وی دفاع و متجاوز و همکاران و همدستان و مبلغین شر و تجاوز را به عدالت بسپارد.

محدثین مینویسند:

از عبدالله ابن عباس سؤال شد که نحوه قتل مرتکب این عمل باید چطور صورت گیرد؟ فرمودند که: بالاترین نقطه شهر را جستجو نماید، و سپس فاعل و مفعول را از آن نقطه بالای به پائین پرتاب نمایند، وبعد از پرتاب او را به سنگ زده و سنگسار نماید. عبد الله ابن عباس برای تائید حکم صادره خویش بر آیات قرآنی استدلال نموده می افزاید:

چون جبرئیل علیه السلام بدستور پروردگار با عظمت شهر قوم لوط را از جا بر کند و سپس آنها را از آسمان سرچپه به روی زمین پرتاب نمود، و سپس بالای سر آنها از آسمان سنگباران صورت گرفت.

از یکی از خلفای پیشین نقل شده است که میگفت: اگر خداوند این عمل را از قوم لوط نقل نمیکرد من هرگز حتی به ذهنم هم خطور نمیکرد که: انسان هم مرتکب چنین عمل شنیع میگردد!

اعاده حیثیت و شرع اسلامی

توجه باید کرد در ذهن تعدادی از علماء وقوع این عمل شنیع خطور هم نمی‌کرد، ولی با تأسف باید امروز در کشور اسلامی ما این عمل بحیث مود روز دربین برخی از زورمندان و قوماندانان مبدل گردیده است. که مطمئناً به غضب الهی مواجه شده اند و خواهد شد.

در مورد حد لواط اصحاب پیامبر صلی الله علیه و سلم از جمله ناصر و قاسم بن ابراهیم و یکی از دو قول امام شافعی بر آن میباشند که حد لواط قتل و کشتن و حتی رجم است اگرچه محصن هم نباشد یعنی هرکس مرتکب لواط شود باید کشته شود. و به احادیثی ذیل استدلال مینمایند:

از حضرت علی کرم الله وجهه روایت گردیده است که: هر آن شخصیکه مرتکب عمل لواط گردد باید رجم کرده شود. (امام بیهقی این حدیث را روایت فرموده است.)
امام شافعی: بااستناد این حکم میفرماید: هرکس مرتکب این عمل شود ازدواج کرده یا ازدواج نکرده محصن باشد و یا غیر محصن باشد سزای آنرا قتل و کشتن است.
هکذا در روایتی آمده است که: روزی حضرت ابوبکر صدیق (رض) اصحاب را درباره کسی که عمل لواط را مرتکب گردیده به مشوره فرا خواند. در این مجلس مشورتی سخن حضرت علی بن ابیطالب از همه شدیدتر و تندتر بود که فرمود: « این گناهی است که هیچ امتی از امتها مرتکب آن نشده اند مگر یک امت و میدانید که خداوند با آن امت چگونه رفتار کرد. بنظر ما چنین اشخاص باید با آتش سوزانده شوند». لذا ابوبکر صدیق به خالد بن ولید نوشت و به وی دستور داد که چنین اشخاصی را بسوزاند. بیهقی این روایت را تخریح نموده و در اسناد آن « ارسال » مییاشد.
امام شوکانی میفرماید: که در تادیه جزا به شخصی لواط میتوان بر همین حدیث استناد نمود.

در روایتی از ابوبکر صدیق و حضرت عمر آمده است که: در مرحله اول شخصی لواط را باید با شمشیر کشت و بعد از قتل، جسدش را باید سوزاند، زیرا این اشخاص معصیت بزرگی را مرتکب شده است.

در روایتی دیگری از حضرت عمر و حضرت عثمان آمده است که مرتکبین این جنایت باید زیر دیوال خرابه بقتل رسانیده شود.

امام یغوی از شعبی و زهری و مالک و احمد و اسحاق روایت نموده که مرتکبین این جنایت باید رجم گردند. و امام ترمذی این روایت را از امام مالک، امام شافعی، امام احمد و اسحاق روایت نموده است.

در روایتی از امام نخعی آمده است که: اگر میشد دو بار زانی را رجم کرد میبایستی مرتکب لواط را دو بار رجم بکنند.

امام منذری در روایتی میفرماید که: حضرت ابوبکر صدیق و حضرت علی و عبدالله بن زبیر و هشام بن عبدالملک مرتکب عمل لواط را میسوزاندند.

چنانچه گفته آمدیم بر حاکمیت اسلامی و دولت مکلفیت دارد که درین عرصه مکلفیت های خویش را مانند حامی قانون و شرع غرای محمدی صلی الله علیه و سلم کماحقه اجرا کند.

تخلف از قانون و عمل خلاف از قانون برای دولت و حاکمیت نیز کردن کاری که باید نه

اعاده حیثیت و شرع اسلامی

کند و نه کردن کاری که باید کند، نیز میباشد.

امام شوکانی میفرماید: « بجا و مستحق خواهد بود شخصی که راکه مرتکب این جرم ، رذیله و پستی میشود به شیوه جزا دهند که عبرت و پند برای دیگران شود ، مرتکبین این جنایت باید به شیوه عذاب گردند که: آتش شهوت فاسقان تبهکار را خاموش سازد.

اشخصایکه این عمل شنیع قوم لوط را مرتکب میشوند ، عمل قومی را مرتکب میشوند که قبل از قوم لوط اقوامی دیگر آنها را مرتکب نگریده بودند ، بنا شایسته و بجا خواهد بود که به جزا و شکنجه شدید ی محکوم کردند تا ، از درد عذاب این شکنجه بسوزند ، خداوند این قوم تبهکار را در زمین فرو برد و ریشه شان را از بیخ و بن نابود سازد .»

والله اعلم بالصواب